



۲۰/۰۹/۰۵



مجید منگل

دیپلمات سابق افغانستان در ملل متحد

## ضرورت تاریخی نجات کشور از استبداد دینی

### بقایای تنظیم های ماورای جهاد

مردم مسلمان و با دیانت افغانستان خوب میدانند که اسلام دین حق، دین عدالت و انصاف، دین راستی و اعتدال و دین رعایت و احترام به حقوق و آزادی های مشروع انسانیت و انسان، شامل مرد و زن است. از این حقیقت آگاه هستیم که درجه فهم و معلومات مردم شریف ما از اسلام و اساسات اسلامی مربوط به درجه سواد و تحصیل آنهاست، با آنهم خوش بختانه اکثریت قاطع مردم افغانستان مسلمانان پاک طینت و باعقیده بوده در پیروی از احکام قرآن و اساسات دین مقدس اسلام صادق و استوار هستند، ولی متأسفانه این صفای نیت و ساده دلی شان همواره از جانب سیاستمداران جاه طلب و عوام فریب، روحانیون و ملامهای بنیاد گراه و افراطی و سران (تنظیم های ماورای جهاد) برای حفظ امتیازات و منافع شخصی مورد بهره برداری قرار گرفته و می گیرد. دوام چنین بهره برداری ها از عقاید دینی و مذهبی درحالیکه خلاف اصول و رهنمایی های دین مقدس اسلام است، زمینه ساز مداخلات آشکار و بیشزمانه دو همسایه بد اندیش یعنی پاکستان و ایران در امور داخلی کشور ما گردیده است که منظور آن دامن زدن به اختلافات قومی، دینی و مذهبی و ضعیف ساختن (وحدت ملی) و بی ثبات ساختن بیشتر اوضاع سیاسی و امنیتی کشور و ایجاد موانع در راه ترقی و پیشرفت افغانستان است.

مردم رنج دیده و با دیانت افغانستان درین سه دهه خونین در نتیجه این بهره برداری های ناجایز از دین مقدس اسلام و عقاید مذهبی در چنان شرایط ناگواری قرار داده شده اند که در بین مصایب و بی سرنوشتی های زندگی دنیایی و امیدواری های رستگاری و آرامش زندگی آخرت که هنوز میسر نیست و رسیدن به آن به اراده خداوند و چگونگی اعمال انسانی ارتباط دارد، سرگردان هستند. در سال هاییکه هنوز (دوران سیاه) حکومت ضد ملی کمونیست خلق و پرچم آغاز نشده بود و کشور ما از صلح و آرامش نسبی بر خوردار بود بارها شنیده ام و البته خودم نیز بحیث یک افغان به همین عقیده بوده و هستم که: ((مردم افغانستان به استثنای پیروان ایدیولوژیهای ضد ملی راست و چپ، بهترین مسلمانان جهان و صادق ترین پیروان دین مقدس اسلام هستند)). بنابراین سوال اساسی ای که بنظر این قلم، مردم افغانستان درین مدت بیشتر از سه دهه با آن مواجه اند ولی به دلیل حاکمیت (استبداد دینی تنظیم های ماورای جهاد) و ضعف (روحیه وحدت ملی) نتوانسته اند جواب آنرا در

چوکات یک بحث آزاد و همه جانبه اعتراضیه ملی تشخیص و مورد ارزیابی قرار دهند اینست که: چرا مردم افغانستان با وجود قربانی های بیشمار در راه جهاد و اسلام، بعد از پیروزی جهاد بر علیه قشون متجاوز شوروی سابق، چنین خوار و ذلت و آواره کشور های بیگانه گردیدند که نه تنها صلح و آرامش زندگی شخصی و فامیلی خود را از دست دادند بلکه حیثیت بین المللی کشور شان نیز تا سرحدی صدمه دید که امروز استقلال سیاسی و حاکمیت ملی آن بصورت جدی مورد سوال قرار گرفته است، در حالیکه نتیجه باید کاملاً بر عکس می بود و مردم ما با بیست امروز با داشتن افتخارات پیروزی جهاد، در یک افغانستان آزاد، مستقل و با ثبات با سربلندی زندگی میکردند.

در شرایط و اوضاع کنونی، مردم ما می توانند با پیشقدمی و اشتراک فعال همه نهاد های مدنی، اتحادیه های روز نامه نگاران، خبر نگاران، نویسندگان، ادبا و شاعران و سایر روشنفکران ملی گرا، جواب سوال فوق را به آسانی دریافت نموده یک **(حرکت تازه و پیگیر اعتراضیه ملی، مدنی و مسالمت آمیز)** را بر علیه دوام بقایای تنظیم های فاسد ماورای جهاد و سایر (تیکه داران اسلام) و ختم استبداد دینی آنها در کشور براه بیندازند.

با وجودیکه بدبختی های مردم ما با تهاجم نظامی شوروی سابق بر علیه کشور ما آغاز گردید، در جریان این مباحثات اعتراضیه ملی بزودی نتیجه گیری خواهند نمود که علت اصلی و اساسی بد بختی های موجوده مردم ما اختطاف جهاد برحق مردم افغانستان توسط **(تنظیم های ماورای جهاد)** وابسته به دستگاه های استخباراتی دو کشور همسایه یعنی پاکستان و ایران و انحراف خاینانه و مغایر اصول اسلامی آنها از اهداف والای جهاد است که افغانستان و مردم آنرا درچنین مسیر خطرناک و نا معلوم بی سر نوشتی قرار داده است.

موضوع عمده ملی بشرح آتی می تواند در آجنذای مباحثات این سه حرکت تازه اعتراضیه ملی و مدنی شامل ساخته شود:

- ۱- نتایج ناگوار دوام استبداد دینی بقایای تنظیم های ماورای جهاد.
  - ۲- بحران هویت ملی و ضعف خطیر روحیه و حدت ملی.
  - ۳- عدم رعایت حقوق و آزادی های مشروع زنان افغان و حاکمیت روحیه زن ستیزی.
- ۱ - نتایج ناگوار دوام استبداد دینی بقایای تنظیم های ماورای جهاد:

حیات سیاسی و نظامی تنظیم های فاسد ماورای جهاد که باید توسط کنفرانس ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ (بن) به نفع یک (حکومت کاری و با کفایت ملی) خاتمه داده می شد متأسفانه برخلاف توقع مردم افغانستان بصورت خاینانه و توطئه آمیز ادامه یافت که در نتیجه آن طوریکه میدانیم پست های وزارت خانه ها و سایر کرسی های بالایی دولت به جنگسالاران منفور و سایر ناقضین حقوق بشر و مرتکبین جنایات جنگی به اساس قوم، مذهب و منطقه بدون رعایت اصل شایسته سالاری یا تجربه کاری سپرده شد و در رأس چنین حکومت سهمی نیز حکومت امریکا یک معامله گر شناخته شده سیاسی و عوام فریب بزرگ تاریخ ملی را بدون اراده مستقل مردم افغانستان نصب نمود که نتایج ناگوار چنین جفا را در حق مردم افغانستان تا امروز به چشم سر مشاهده می نمایم.

خاموشی مزید مردم افغانستان در برابر حاکمیت ناجایز بقایای تنظیم های فاسد و استفاده جوی ماورای جهاد و **(استبداد دینی)** را که این تشکیلات غیر ملی برای بقای قدرت و امتیازات خود با بهره برداری و سوء استفاده از دین مقدس اسلام بر کشور

و مردم ما حاکم ساخته اند، کاملاً به زیان کشور و منافع ملی آن بوده موانع و محدودیت های قابل توجه را در راه تأسیس (احزاب فراگیر ملی) و بنا کردن یک نظام با ثبات سیاسی مردم سالاری قرار داده است. در عین زمان دوام چنین حالت مانع رعایت و احترام حقوق و آزادی های فردی خصوصاً حقوق و آزادی های مشروع زنان افغان گردیده است.

بعد از پیروزی جهاد و ختم تجاوز نظامی شوروی سابق، مردم ما انتظار داشتند کشوری داشته باشند که از استقلال سیاسی کامل، حاکمیت ملی، صلح و ثبات و امنیت ملی برخوردار باشد، کشوری داشته باشند که از خود شان و برای خود شان باشد و تعیین سرنوشت شان نیز بدست خود شان باشد نه اینکه تمام اختیارات ملی شان برای تعیین سرنوشت و انتخاب (زعامت ملی) از بین برود و کار شان بجایی برسد که (جان کری) وزیر امور خارجه امریکا باید با عجله به کابل بیاید و حکومت غیر عادی و بی کفایتی را بنام به اصطلاح (حکومت وحدت ملی) با نام شرم آور (حکومت پنجاه فیصده) با نادیده گرفتن کامل نتیجه انتخابات در چوکات (دموکراسی لجام گسیخته و ارداتی) خلاف مواد قانون اساسی، کاملاً بر مردم افغانستان تحمیل نماید که ما امروز و همه روزه شاهد برملا شدن بی کفایتی ها و اختلافات شرم آور ضد ملی بین رهبران چنین حکومت هستیم.

مردم آزاده و مسلمانی که در طول تاریخ همواره در راه دفاع از وطن، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خود مبارزه کرده حماسه ها آفرید، امروز متأسفانه حیثیت یک ملتی را دارد که توسط بقایای تنظیم های ماورای جهاد به (گروگان) گرفته شده و سایه شوم آنها تا هنوز بر کشور بی سر نوشت ما گسترده است. با ادامه چنین حالت البته فرصت های ملی برای رسیدگی لازم به قضایا و اهداف ملی و آینده کشور پیوسته از دست رفته و می رود.

وجیهه ملی، اسلامی و تاریخی فرد فرد مردم افغانستان خصوصاً نسل جوان کشور است که با روحیه وحدت ملی با استفاده از وسایل و امکانات تکنولوژی معلوماتی و (شبکه های اجتماعی) و صدور اعلامیه ها و تدویر کنفرانس های مطبوعاتی و راه پیمایی ها و تماس با مؤسسات بینالمللی مانند ملل متحد، صدای خاموش ملت رنجیده افغانستان را بشکل یک (اعتراض گسترده و دوامدار مسالمت آمیز ملی) بر علیه بقایای استفاده جو و مفت خوار تنظیم های ماورای جهاد و شاخ و برگ فرسوده آنها بلند نمایند. در جریان این حرکات اعتراضیه مسالمت آمیز ملی می توان تقاضا نمود تا همه جنایت کاران جنگی و آنهاييکه جنایات علیه بشریت را در جریان جنگ های قدرت طلبی تنظیمی خاصاً در برابر باشندگان مظلوم شهر (کابل) مرتکب شده اند و امروز در مقام های بلند حکومتی و یا موقعیت های امتیازی قرار دارند، با تطبیق (پروژه عدالت انتقالی) به میز محاکم ملی و محاکم بین المللی چون (محکمه جنایی بین المللی یا آی سی سی) کشانیده شوند.

آفریدگار یکتا و توانا به اساس آیت مبارک قرآن عظیم الشان (( لعلکم یتفکرون )) یعنی که (ای مسلمانان فکر کنید) حق و آزادی کامل (فکر کردن) را به همه مسلمانان جهان عنایت فرموده است. پس چه علت است که مردم مسلمان افغانستان در برابر این همه مظلوم، این همه جنایات و بیعدالتی ها و این همه بهره برداری های آشکار و پنهان از دین مقدس اسلام توسط دولت مردان بی کفایت تنظیمی و پیروان مفت خور و فرصت طلب آنها و سایر (تیکه داران اسلام) چنین ناتوان بی حرکت و محکوم به خاموشی هستند و بحیث پیروان عقیده توحید و قرآن در مورد تغییر اوضاع خود و کشور خود فکر اساسی و حرکت ملی دسته جمعی نمی کنند؟ در حالیکه خداوند در قرآن عظیم الشان فرموده است: (( من حالت قوم یا مردمی را تغییر نمی دهم تا وقتی که خود شان حالت خود را و آنچه در نفس شان است تغییر ندهند)). (سوره مبارک "الرعد" - آیت دهم پاره سیزدهم قرآن عظیم الشان).

در محافل سیاسی تکراری، اجباری، پرمصرف، بی‌فایده و خسته‌کننده بقایای این تنظیم‌ها یا جنگ سالاران و چهره‌های منفور شناخته‌شده وابسته به آن‌ها مشاهده می‌کنیم که حاضرین مجلس که شاید یک تعدادشان جیره‌خواران و یا مریدان حلقه به‌گوش رهبران ملیونر تنظیم‌های ماورای جهاد باشند، از خود اراده مستقل ملی نداشته بیشتر حیثیت (حاضرین گروگان گرفته) را میداشته باشند. یگانه سهم‌گیری‌شان در چنین جلسات، خاموشی مطلق و یا همراهی کردن با **(نعره‌های رهبری شده تکبیر)** از طرف به اصطلاح (جمبوری‌های تنظیمی) میباشد و حاضرین جرأت آنرا در خود نمی‌بینند تا صدای مشروع اعتراض خود را در موقع شنیدن دروغها و عوامفریبی‌های سخنرانان بلند نموده به سابقه خیانت‌ها و جنایات سخنرانان تنظیمی اشاره نمایند. درحالی‌که همه ما بحیث مسلمان میدانیم که نعره‌های مبارک **(تکبیر)** از خود زمان و مکان جداگانه دارند و نمی‌توان از آن‌ها (بحیث شعارهای سیاسی) آنهم برای مقاصد شخصی و تنظیمی ضد منافع ملی استفاده نمود.

## ۲- بحران هویت ملی و ضعف خطیر روحیه و وحدت ملی:

موضوع مهم و نگران‌کننده دیگر در شرایط ناگوار کنونی کشور بحران هویت ملی و ضعف خطیر روحیه وحدت ملی است. این بحران خطرناک ناتوانی آشکار را در تشخیص منافع ملی در سطوح مختلف دولت بی‌کفایت و مردم‌بوجود آورده است. **(حاکمیت فکر تنظیمی)** و تمایلات ضد ملی قوم‌گرایی و مذهب‌گرایی که از طرف همسایگان شرق و غرب ما بصورت گسترده دامن زده می‌شود کشور ما را در مسیر تجزیه و نظام ملوک الطوایفی قرار داده است. با نگرانی عمیق مشاهده می‌کنیم که ارتباط مردم ما خصوصاً نسل جوان ما با تاریخ ملی و افتخارات مشترک تاریخی ملی قطع شده است. مردم ما خصوصاً جوانان ما بصورت روز افزون بعوض داشتن طرز تفکر ملی روی قضایای ملی، خود را بیشتر وابسته به بقایای تنظیم‌های ماورای جهاد دانسته در حلقه‌های زیان‌آور تنظیمی و قومی ضد ملی جمع‌اند.

ضعف روز افزون وحدت ملی و بی‌کفایتی غیر قابل انکار حکومت به اصطلاح وحدت ملی چنان فضای خودسری و لاقیدی سیاسی را بمیان آورده است که امروز یک‌عده جوانان اوباش و احساساتی و بی‌خبر از تاریخ ملی و افتخارات مشترک تاریخی ملی به تحریک دشمنان میهن‌طوریکه مشاهده کردیم در صدد برآمدند تا خلاف اراده ملت از یک **(دزد گردنه)** و رهن‌بی سواد، چپاولگر و دشمن معارف و مدنیت چون **(حبیب الله بچه سقاو)** که به شهادت تاریخ بحیث آله دست دولت استعماری انگلیس با عث سقوط دولت ملی و مترقی **(شاه امان الله غازی محصل استقلال افغانستان)** گردید تجلیل بعمل آورده خاکسپاری مجدد نمایند، چنانچه این کار خاینانه را با کمال گستاخی و بی‌احترامی کامل به اراده ملی با همدردی آشکار (حکومت به اصطلاح وحدت ملی) در تاریکی شب که در جریان آن زد و خورد‌های مسلحانه نیز صورت گرفت و عده‌ای هم زخمی گردید، در **(تپه شهرارا)** کابل انجام دادند.

اگر حکومت یک حکومت ملی و توانا می‌بود و وحدت ملی در چنین سطح پایین قرار نمی‌داشت و سرک‌ها و چهارراهی‌ها یا میدان‌های هوایی بدون استحقاق بنام خائنین و جنایت‌کاران شناخته‌شده بخاطر معامله‌گری‌های سیاسی ضد ملی نامگذاری نمی‌شد، یقیناً بخاطر یک دزد و رهن‌چون **(بچه سقاو)** چنین ماجراهای خطرناک سیاسی بمیان نمی‌آمد و در عوض می‌توانست طور مثال تقاضای ارج‌گزارگی به قهرمانان دیگر تاریخ ملی چون **(میر مسجدی خان کوهستانی)** که مورد تایید همه اقوام کشور می‌بود بعمل آید.

جای تعجب نیست که عبدالله عبدالله رییس تشکیل نام نهاد اجراییه (حکومت به اصطلاح وحدت ملی) قبل از آنکه مراسم خاکسپاری مجدد حبیب الله بچه سقا در تپه شهر آرا توسط یک گروه خاین و ما جرا جو صورت گیرد، این مسئله را پیشروی رسانه ها بحیث (یک مسئله اصلی) یاد نموده مورد تایید قرار داد. این اعلام وی در حالی صورت گرفت که اوضاع امنیتی کشور بصورت روز افزون به وخامت گراییده و طالبان به همراهی مخالفین دیگر دولت بصورت تدریجی یکعده مناطق ستراتیژیک کشور خصوصاً در صفحات شمال را از کنترل نیروهای دولتی خارج می نمایند و جنگ در چندین ولایت دیگر کشور با مخلفین دولت ادامه دارد.

صدمات بزرگی که تنظیم های ماورای جهاد و بقایای فرسوده آن بر پیکر وحدت ملی کشور وارد نموده بحدی است که با پشتیبانی حلقه های تنظیمی در داخل دستگاه حکومت، یکعده مردم بشمول جوانان ما که برخلاف توقع همه متاسفانه هنوز هم کورکورانه پیرو تنظیم ها هستند و چنان به بیراهه کشانیده شده اند که امروز به مقابل کلمه پر افتخار (افغان) حساسیت و ضدیت نشان میدهند و کار تثبیت هویت افغانی و صدور تذکره الکترونیکی نیز در نتیجه، در (گرداب کثیف موقف های خاینانه تنظیمی و قومی) گرفتار شده است.

### ۳- عدم رعایت حقوق و آزادی های مشروع زنان افغان و حاکمیت روحیه زن ستیزی:

موضوع مهم دیگری که امید وارم در آجندای (بحث ملی) و فعالیت های (حرکت تازه اعتراضیه ملی) پیشنهادی، داخل گردد موضوع پامال شدن دوا مدار حقوق و آزادی های مشروع زنان افغان و ارتکاب جنایات و خشونت های هولناک بر علیه زنان و دختران معصوم افغان است که پیوسته در نقاط مختلف کشور خصوصاً مناطق ولسوالی های دور دست صورت میگیرد و مرتکبین آن در اثر فساد گسترده در دستگاه قضایی کشور یا وابستگی های شان با دولتمردان حکومتی و سایر زورمندان تنظیمی به سزای اعمال شان نمی رسند.

دوام این جنایات و خشونت ها در فضای اختناق موجوده زن ستیزی در کشور تا حد زیادی از حاکمیت نا جایز (استبداد دینی) بقایای تنظیم های ماورای جهاد و صدور فتوی های نادرست و غیر اسلامی بر علیه زنان افغان از طرف ملاهای بی سویه که معلومات کافی و درست از اسلام و حقوق زنان درین قرن بیست و یکم ندارند، درحقیقت شکل یک (جنگ اعلام نا شده) را بر علیه زنان افغان بخود گرفته است، میباید. حرکت تازه اعتراضیه ملی میتواند دوام این تخطی های آشکار را محکوم و رعایت و احترام حقوق و آزادی های مشروع و قانونی زنان افغان را تقاضا نماید.

عدم رعایت حقوق و آزادی های مشروع زنان و بی احترامی به مقام والای زن، نه تنها خلاف اصول اسلام بلکه کاملاً مغایر همه اصول و مقررات قبول شده بینالمللی بخصوص (اعلامیه جهانی حقوق بشر) است، سند قابل رعایت و قابل احترام بین المللی که افغانستان بحیث اولین کشور اسلامی برای تصویب آن در اسامبله عمومی ملل متحد رای داد.

جنایت تکان دهنده و وحشتناکی که در روز روشن با حضور پولیس و عده کثیری از مردم سیل بین ولی بی غیرت و بی تفاوت در مقابل (فرخنده شهید) دختر جوان، بیگناه و تحصیل کرده افغان توسط یک گروه کثیر جوانان اوباش، فرومیه بی مروت و نا مسلمان به اتهام دروغ بی حرمتی به قرآن صورت گرفت و باعث مرگ و سوختاندن جسد آن دختر پاکدامن افغان

گردید، نشان داد که سوء استفاده از اسلام و رهنمایی های غلط بنام اسلام توسط یک‌عده ملاحی بی سویه، بی فرهنگ و بی خبر از احکام قرآن، موجوداتی بنام انسان را به چه حیوانات درنده، بی وجدان، پست فطرت و بیرحم تبدیل می نماید. جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که قتل علنی و فجیع (فرخنده شهید) و یا سنگسار کردن های وحشیانه دختران جوان و معصوم افغان چون (رخشانه) و امثال آن بدون ثبوت گناه یا طی مراحل قانونی و شرعی در محضر عام بدون زره ای از صله رحم انسانی و اسلامی، بحيث یک لکه سیاه بد نامی و شرمنده گی برای نسل امروز و فردای کشور، جاودان باقی ماند. در چنین اوضاع و شرایط، هستند یک‌عده هم وطنانی که نقش آشکار سیاستمداران خاین، جنگ سالاران و تنظیم های فاسد ماورای جهاد را در بدبختی های موجوده کشور نا دیده گرفته عقیده دارند (قهر خداوندی) بالای مردم افغانستان و (ناشکری مردم افغانستان) در مورد نعمت های فراوانی که خداوند به ملت ما عنایت کرده بود باعث این همه بدبختی ها و نابسامانی ها گردیده است. بنابراین میتوان تصور نمود که این عده هموطنان ما در محور چنین قضاوت باقی مانده، علاقمندی کمتری برای اشتراک در حرکت احتمالی اعتراضیه ملی بر علیه جنگسالاران و سایر ناقضین حقوق بشر نشان خواهند داد. بعبارت دیگر تا روز قیامت منتظر مجازات این جنایت کاران و سایر خائنین به وطن در محکمه الهی باقی خواهند ماند.

اگر زنان و مردان کشور با اتحاد و همبستگی، روحیه استوار و حدت ملی و درک منافع ملی عاری از تمایلات تنظیمی، قوم گرایی، مذهب گرایی و سایر گرایش های تفرقه آمیز ضد ملی، در چوکات (حرکت تازه اعتراضیه مسالمت آمیز ملی ومدنی) پیشنهادی ام که در صفحات قبلی این نوشته به تفصیل آن پرداختم، متحدانه قدم به جلو بگذارند و اعضای نهاد های مدنی، انجمن های جوانان و سایر گروپ های متشکل مدنی غیر تنظیمی درین راه پیش قدم شوند، یقین دارم بقایای فرسوده و استفاده جو تنظیم های ماورای جهاد و شاخه ها و ریشه های فرسوده ضد ملی آن ها چون شورای نامنهاد (حراست حراست و ثبات) یا (شورای نامنهاد جهادی) در نتیجه یک اعتراض وسیع و همه جانبه مسالمت آمیز ملی از عرصه سیاسی کشور محو و مردم ما خود را در یک فضای آزاد، مستقل و آسوده فارغ از ((استبداد دینی بقایای تنظیم های ماورای جهادی)) خواهند یافت و زندگی و فردای بهتر از امروز را دنبال خواهند کرد.

(پایان)

ایالت (ورجینیا) اضلاع متحده امریکا